

## قلدری در مدارس راهنمایی دخترانه: نقش شیوه‌های فرزندپروری و ادراک از محیط عاطفی خانواده

منصور بیرامی<sup>۱</sup> و پروانه علایی<sup>۲</sup>

### چکیده

قلدری نوعی خشونت سطح پایین در مدرسه است که اخیراً مورد توجه روان‌شناسان مدرسه قرار گرفته است. هدف این پژوهش توصیفی، تعیین رابطه‌ی قلدری و انواع آن با ادراک نوجوانان دختر از محیط عاطفی خانوادگی، شیوه‌های فرزندپروری و نیز شیوه‌های فرزندپروری والدین آنان در مدارس راهنمایی دولتی شهر تبریز (۹۱-۱۳۹۰) بود. ۳۸۷ دانش‌آموز و ۱۴۷ نفر از مادران آنان با شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی ساده انتخاب شده و به پرسش‌نامه‌های فرزندپروری شیفر، بامریند و مقیاس قلدری پاسخ دادند. مبتنی بر نتایج، قلدری و اشکال سنتی و سایبری آن با شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه‌ی مادر و شیوه‌ی فرزندپروری ادراک شده‌ی مستبدانه و کناره‌گیر، رابطه‌ی مثبت داشت، این رابطه با شیوه‌ی ادراک شده‌ی مقتدرانه منفی بود. همچنین، محیط عاطفی خانواده با قلدری و انواع آن رابطه داشته و بُعد محبت نسبت به بُعد کنترل متغیر پیش‌بین قوی‌تری بود؛ سردی محیط خانوادگی به تنهایی ۹٪ تغییرات قلدری را پیش‌بینی کرد.

**واژه‌های کلیدی:** قلدری در مدرسه، شیوه‌های فرزندپروری، محیط خانوادگی، دانش‌آموز

---

۱. دانشیار گروه روان‌شناسی - دانشگاه تبریز

۲. نویسنده‌ی رابط: دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی - دانشگاه تبریز P.alai@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۵/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۱۵

## مقدمه

قلدری<sup>۱</sup>، رفتار آزاردهنده‌ای است که یک فرد یا یک گروه از افراد عمداً در یک دوره‌ی زمانی به صورت مکرر اعمال می‌کنند و شامل عدم توازن قدرت است (نانسل، اورپک، پیلا، ران، سیمرن - مورتن و اسچیدت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱؛ نوردل، پول، استانتون، ولادن و برن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸). قلدری ممکن است در محیط‌های مختلف اتفاق بیفتد، اما آنچه که بیشتر مورد توجه پژوهشگران تعلیم و تربیت قرار گرفته، قلدری در محیط مدرسه است که با خشونت مدرسه‌ای<sup>۴</sup> قرابت معنایی داشته و شکل خفیف‌تری از آن به‌شمار می‌آید (بن‌بینستی<sup>۵</sup> و آستر، ۲۰۰۵ و آستر، بن‌بینستی، پیتر<sup>۶</sup> و زیرا، ۲۰۰۴ به نقل از چن و آستر<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰). الویوس<sup>۸</sup> به‌عنوان پیشگام قلدری در مدرسه، آن را زیرمجموعه‌ای از رفتارهای پرخاشگری تعریف می‌کند (به نقل از یورتال و آرتوت<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰) که در قالب رفتارهای جسمانی، کلامی و ارتباطی بروز می‌یابد (به نقل از لی<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۰) و دربرگیرنده‌ی سه جزء است: (۱) نوعی رفتار منفی هدفمند، (۲) تکرار در گذر زمان و (۳) همراه با عدم موازنه‌ی قدرت (به نقل از نیوگنت، بهرند، لانس‌بری، هیگنس و لو<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۰).

در گذشته، قلدری در میان نوجوانان مدرسه‌ای به شکل سنتی<sup>۱۲</sup> و از طریق تعاملات واقعی و چهره به چهره اتفاق می‌افتاد. اما در قرن ۲۱، افراد قلدر برای آزار رساندن و زورگویی نسبت به همسالانشان از شیوه‌های جدیدتری چون مزاحمت‌های تلفنی یا نشر تصاویر یا مطالب واقعی یا

1. bullying
2. Nansel, Overpeck, Pilla, Ruan, Simon-Morton & Scheidt
3. Nordahl, Poole, Stanton, Waldn & Beyan
4. school violence
5. Benbenishty & Astor
6. Pitner & Zeira
7. Chen & Astor
8. Olweus
9. Yurtal & Artut
10. Lee
11. Newgent, Behrand, Lounsbery, Higgins & Lo
12. traditional

غیرواقعی درباره‌ی آن‌ها در محیط مجازی وب می‌پردازند. نوع اخیر، تحت عنوان قلدری غیرسنتی<sup>۱</sup> یا سایبری<sup>۲</sup> مصطلح است (پاتچین و هیندوجا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱) و به معنای اعمال یکسری رفتارهای عمدی<sup>۴</sup> و تکرارشونده‌ی آزاردهنده از طریق کامپیوتر، تلفن و دیگر وسایل الکترونیکی تعریف می‌شود (هیندوجا و پاتچین، ۲۰۰۸). این تعریف نشان‌دهنده‌ی وجوه مشترک غیرسنتی با نوع سنتی آن است؛ شامل عمدی، تکراری و آزاردهنده بودن آن. اما آنچه که قلدری سنتی و سایبری را از هم متمایز می‌سازد، ماهیت تغییر یافته‌ی ارتباطات و تعاملات نوجوانان با یکدیگر به سبب استفاده‌ی فزاینده آنان از تکنولوژی‌های جدید است.

قلدری در دوره‌ی دبستان شروع شده و در دوران راهنمایی و سال اول متوسطه تشدید می‌یابد، اما بعد از کلاس نهم روند کاهشی دارد (برت‌هولد و هوور<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰ به نقل از والدن و بیران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰). مبتنی بر تحقیقات، اوج قلدری در پایه‌ی ششم تا هشتم است (پلگرینی و لانگ<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲ و سیلز و یانگ<sup>۸</sup>، ۲۰۰۳ به نقل از لی<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰). آمارها نشان از شیوع قلدری در میان دانش‌آموزان و نوجوانان دارد به طوری که حدود ۲۹ درصد دانش‌آموزان کلاس‌های ششم تا دهم به طور متوسط یا بیش از آن درگیر قلدری بوده‌اند (نانسل و همکاران، ۲۰۰۱)؛ نتیجه‌ی تازه‌ترین تحقیقات زمینه‌یابی، میزان شیوع قلدری را در بین دانش‌آموزان کشورهای مختلف قریب به پنجاه درصد گزارش می‌کند (وانگ، لاک، لو و ما<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۸؛ هنینگهام، گاردنر و سوزان‌واکر<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۹؛ بلک،

- 
1. nontraditional bullying
  2. cyber bullying
  3. Patchin & Hinduja
  4. willful
  5. Berthold & Hoover
  6. Walden & Beran
  7. Pellegrini & Long
  8. Seals & Young
  9. Lee
  10. Wong, Lok, Lo & Ma
  11. Henningham, Gardner & SusanWalker

وینلز و واشینگتون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). اخیراً نیز، گزارش شده است که ۲۸ درصد و ۸/۹ درصد نوجوانان ۱۲-۱۴ ساله مرتکب قلدری سنتی و سایبری می‌شوند و قربانیان آن به ترتیب ۴۴/۹ درصد و ۱۴/۴ درصد هستند (گوفین و آویتزر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). برخی دیگر از تحقیقات میزان واقعی قربانیان قلدری سایبری را حدود ۳۴ درصد (هیندوگا و پاتچین، ۲۰۰۸) و در میان دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی، ۱۸ درصد (کوالوسکی و لیمبر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷) گزارش کرده‌اند.

سؤال مهم این است که چرا نوجوانان درگیر چنین رفتارهایی می‌شوند؟ براساس الگوی تعاملی شخص، فرایند، بافت و زمان در نظریه‌ی سیستمی زیستی - بوم‌شناسی<sup>۴</sup>، رشد کودکان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها علاوه بر الگوهای زیستی از تعاملات روزمره نیز، تأثیر می‌پذیرد (برون‌فینبرنر و موریس<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸؛ به نقل از روداسیل، گالاگر و وایت<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰). والدین اولین کسانی هستند که با کودک ارتباط برقرار می‌کنند و تأثیرگذارترین برخوردها و تعاملات را در شکل‌گیری ساختار زندگی آینده‌ی کودک دارند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۲). اندیشمندان دریافته‌اند که ادراک کودکان از این نوع تعاملات بسیار مهم‌تر از تجربه‌ی عملی چنین تعاملاتی است (بالدری<sup>۷</sup>، ۲۰۰۳ به نقل از لی، ۲۰۱۰). شواهد تجربی نیز، اهمیت نقش باورها و ادراکات فردی را در سلامت، بیماری روانی، احساس خطر و خشونت (مارکوویتز، ۲۰۱۱) و بروز قلدری و تشدید آن را بر حسب ادراک از محیط خانواده (وینکه‌توتورا، میکنون - لویز، گستن، گاد<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۹) مورد تأکید قرار می‌دهد. براساس الگوی بامریند و شیفر<sup>۹</sup>، دو محور اساسی در

1. Black, Weinles & Washington
2. Gofin & Avitzour
3. Kowalski & Limber
4. bioecological systems theory
5. Bronfenbrenner & Morris
6. Rudasill, Gallagher & White
7. Baldry
8. Wienke Totura, Mackinnon-Lewis, Gesten, Gadd & et al
9. Baumrind & Sheifer

رفتار و تعاملات والدین در ارتباط با فرزندان وجود دارد: محبت و کنترل. تحقیقات نشان می‌دهد محبت و پذیرش والدین بر رشد شخصیت، نگرش و ادراک نوجوانان تأثیر می‌گذارد. این بعد به چگونگی ابراز محبت و پاسخگویی والدین نسبت به فرزندان اشاره دارد (دارلینگ و آستینبرگ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳ به نقل از حسین چاری، دلاورپور و دهقانی، ۱۳۸۶) و مشتمل بر گرمی و سردی تعاملات والد - فرزند است. بعد کنترل اشاره به درجه‌ی استقلال و آزادی دارد که والدین برای فرزندان خود قایل هستند. کودکانی که مورد بی‌توجهی و بدرفتاری والدین خود قرار می‌گیرند، در زندگی آینده‌ی خود دچار مشکلات رفتاری و روانی گوناگونی می‌شوند (حسین چاری، دلاورپور و دهقانی، ۱۳۸۶). از ترکیب این دو بعد، چهار سبک مختلف فرزندپروری مقتدارانه، مستبدانه، سهل‌گیر و کناره‌گیر (بی‌توجه) ایجاد می‌شود که سه سبک اخیر شیوه‌های فرزندپروری ناکارآمد محسوب می‌شود (گنتری، ۱۳۹۰). تحقیقات نشان داده است که شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه<sup>۲</sup>، سلطه‌گرانه<sup>۳</sup> و متناقض<sup>۴</sup> به رفتارهای قلدری منجر می‌شود (شیلدز و سیسچتی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱ به نقل از احمد و بریس‌ویت<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴). سابقه‌ی تجربه‌ی سوءاستفاده و خشونت فیزیکی کودک در محیط خانه با رفتارهای قلدری او در مدرسه مرتبط است (داسیچ و میکویا<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷) و در میان دختران، از پیش‌بینی‌کننده‌های قوی قلدری محسوب می‌شود (بالدری، ۲۰۰۳ به نقل از لی، ۲۰۱۰). مبتنی بر شواهد تحقیقی، نگرش مثبت والدین به پرخاشگری، سبک فرزندپروری مستبدانه، تأکید صرف به آموزش و عملکرد تحصیلی با رفتارهای قلدری دانش‌آموزان کلاس‌های هفتم تا نهم همبستگی مثبت دارد (لی، ۲۰۱۰). در مجموع، مطالعات دلالت بر شکل‌گیری قلدری در محیط‌های

- 
1. Darling & Steinberg
  2. authoritarian
  3. dominant
  4. inconsistent
  5. Shields & Cicchetti
  6. Ahmed & Braithwaite
  7. Dussich & Maekoya

خانوادگی دارد که روابط مبهم و ناهماهنگ، مشخصه‌ی آن است (احمد و بریس‌ویت، ۲۰۰۴). تحقیقات در خصوص نقش خانواده در بروز قلدری سایبری بسیار محدود و نامعلوم است. از سویی دیگر، تحقیقات رابطه‌ی بین مواجهه و تجربه‌ی خشونت و رفتارهای پرخاشگرانه را با افت تحصیلی کودکان (هارت، مالمود، برودسکی و جیانتا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱) و با عدم تمایل به شرکت در مدرسه در میان نوجوانان دوره راهنمایی و متوسطه (بوون و بوون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹) گزارش کرده‌اند، و موفقیت‌های زندگی در حوزه‌های مختلف مثل اشتغال، رضایتمندی از زندگی، سلامت و حتی موفقیت‌های تحصیلی بعدی با موفقیت تحصیلی اولیه مرتبط است (استرلین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱؛ مورل، سالسمن و میکز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳؛ سوباسی و هایران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵). از این رو، با توجه به شیوع روزافزون قلدری در میان نوجوانان به عنوان پیش‌زمینه‌ای برای بروز خشونت‌های مدرسه‌ای شدیدتر و افت کیفیت زندگی بزرگسالی آنان، لازم است تا صاحب‌نظران عرصه‌ی تعلیم و تربیت، به ویژه روان‌شناسان مدرسه درصدد یافتن راهکارهای مداخله‌ای و پیشگیرانه با در نظر گرفتن ویژگی‌های زندگی نوجوانان قرن ۲۱ و استفاده‌ی فزاینده‌ی آنان از تجهیزات الکترونیکی باشند. بدیهی است که ارائه‌ی هرگونه راهکاری منوط به یافتن عوامل مرتبط و مؤثر در بروز رفتار قلدری است. بنابراین، تحقیق حاضر با درک اهمیت موضوع و خلاء پژوهشی موجود، به‌ویژه قلدری سایبری، با هدف اصلی تعیین رابطه‌ی قلدری و اشکال آن با ادراک فرزندان از شیوه‌های فرزندپروری والدین و محیط عاطفی خانواده و نیز، هدف فرعی تعیین رابطه‌ی قلدری و شیوه‌های فرزندپروری والدین (مادر) در میان دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی مدارس دولتی شهر تبریز در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۹۱ انجام گرفت. گزاره‌های تحقیق عبارتند از: بین ادراک فرزندان از شیوه‌های فرزندپروری

1. Hurt, Malmud, Brodsky & Giannetta
2. Bowen & Bowen
3. Easterlin
4. Murrell, Salsman & Meeks
5. Subasi & Hayran

والدین با قلدری و انواع سنتی و سایبری آن رابطه وجود دارد. میزان قلدری نوجوان با شیوه‌های فرزندپروری والدین (مادر) رابطه دارد. محیط عاطفی خانواده چه نقشی در بروز قلدری نوجوانان دختر دوره راهنمایی دارد؟

## روش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی - همبستگی بود.

**جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری:** جامعه‌ی آماری شامل تمامی دختران مقطع راهنمایی بود که در مدارس دولتی شهرستان تبریز در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۹۱ مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۳۸۴ نفر تعیین شد؛ به این منظور با استفاده از شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای، چهار مدرسه‌ی مختلف یکی از نواحی پنج‌گانه‌ی آموزش و پرورش شهر تبریز و از هر مدرسه، سه یا چهار کلاس به صورت تصادفی انتخاب گشته و وارد پژوهش شدند. بعد از کنار گذاشتن پرسش‌نامه‌های ناقص و نامعتبر از میان ۳۹۸ پرسش‌نامه‌ی توزیع شده، داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌های ۳۸۷ دانش‌آموز (۱۰۲ دانش‌آموز پایه اول، ۱۵۰ نفر پایه دوم و ۱۳۵ نفر پایه سوم) وارد تجزیه و تحلیل آماری شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزارهای زیر استفاده شد:

**پرسش‌نامه‌ی ادراک از شیوه‌های فرزندپروری:** این پرسش‌نامه‌ی ۷۷ سؤالی توسط نقاشیان (۱۳۵۸) و بر اساس کار شیفر (۱۹۶۵) تدوین شده و علاوه بر سنجش محبت و کنترل والدین بر اساس ادراک فرزندان، محیط عاطفی خانواده (گرمی و سردی روابط خانوادگی) را نیز، ارزیابی می‌کند. ترکیب این دو بعد بر اساس نمرات میانگین، چهار سبک فرزندپروری مقتدرانه (محبت بالا - کنترل بالا)، مستبدانه (محبت پایین - کنترل بالا)، سهل‌گیرانه (محبت بالا - کنترل کم) و کناره‌گیر یا بی‌توجه (محبت کم - کنترل کم) را به وجود می‌آورد. نمره‌گذاری آزمون براساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت بوده و نمرات بالاتر در هر بعد نشان‌دهنده‌ی محبت و کنترل بیشتر است (حسین‌چاری، دلاورپور و دهقانی، ۱۳۸۶). پایایی این پرسش‌نامه با روش همسانی

درونی در کار شیفر ۰/۸۳ و در کار نقاشیان ۰/۸۷ گزارش شده است (زاده‌محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر، اعتبار کل آزمون به روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ و برای بعد کنترل و محبت به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۹۴ محاسبه شد.

**پرسش‌نامه‌ی فرزندپروری بامریند:** این پرسش‌نامه را بامریند برای سنجش سه شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدارانه ساخته که شامل ۳۰ گزاره‌ی سوم شخص است و والدین آن را تکمیل می‌کنند. نمره‌گذاری آزمون براساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت بوده و نمرات بیشتر در هر بعد نشان‌دهنده‌ی سهل‌گیری، استبداد یا اقتدار بیشتر والد است، برافراشتگی بیشتر هر کدام از ابعاد نشانگر شیوه‌ی غالب فرزندپروری آن والد است. پایایی آزمون در این تحقیق با روش ضرب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به‌دست آمد.

**مقیاس قلدری<sup>۱</sup> (BS):** این آزمون خودگزارش‌دهی را پاتچین و هیندوجا (۲۰۱۱) با اقتباس از پرسش‌نامه‌ی قلدری/ قربانی الویوس برای اندازه‌گیری قلدری نوجوانان در سی روز گذشته ساخته و مشتمل بر ۱۵ گویه است که ده مورد اول برای سنجش قلدری سنتی و پنج مورد بعدی برای سنجش قلدری سایبری لحاظ شده است که ضریب آلفای کرونباخ آن در پژوهش سازندگان آن، به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۷۶ گزارش شده است که نشان از همسانی درونی خوب آزمون دارد. در پژوهش حاضر نیز، ضریب آلفای کرونباخ برای قلدری کلی و اشکال سنتی و سایبری آن به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵ و ۰/۷۷ محاسبه شد که نشان از همسانی درونی خوب آزمون دارد. نمره‌گذاری آن بر اساس طیف لیکرت چهارگزینه‌ای است و نمرات بالاتر نشان‌دهنده‌ی سطح بالای قلدری است.

**روش اجرا:** تمامی پرسش‌نامه‌ها کدگذاری شده بودند و پس از ترغیب، توجیه و جلب رضایت دانش‌آموزان، در حضور آزمونگر و دستیار وی به صورت گروهی و بدون هیچ محدودیت

## 1. Bullying Scale



زمانی در طی دو جلسه (به سبب طولانی بودن پرسش‌نامه‌ی شیفر) و در طول آبان ماه تکمیل شدند، به منظور از بین بردن اثر تربیت اجرای آزمون‌ها، ترتیب اجرا در نیمی از کلاس‌ها معکوس شد. در مرحله‌ی بعدی و برای دستیابی به هدف فرعی تحقیق، گروهی از مادران دانش‌آموزانی که در یک ماه اخیر نمونه‌ای از رفتار قلدری را به صورت‌های مختلف نشان داده بودند، به صورت تصادفی ساده انتخاب و برای تکمیل پرسش‌نامه‌ی مربوطه به یک جلسه‌ی عمومی در مدرسه‌ی دخترشان دعوت شده و در حضور پژوهشگر به آن پاسخ گفتند. شش پاسخ‌نامه از بین پاسخ‌نامه‌های ۱۵۳ مادر حاضر در جلسه به دلیل ناقص بودن از تحقیق کنار گذاشته شد.

## نتایج

به منظور ارائه‌ی تصویر روشن‌تری از توصیف متغیرهای پژوهشی و یافته‌های تحقیقی از جداول جداگانه برای بررسی گزاره‌های تحقیق استفاده شده است. به منظور بررسی درستی فرض اصلی تحقیق مبنی بر این که بین ادراک فرزندان از شیوه‌های فرزندپروری والدین با قلدری و انواع سنتی و سایبری آن رابطه وجود دارد، از روش تحلیل واریانس یک‌طرفه، و برای یافتن جایگاه تفاوت‌های زوجی از آزمون تعقیبی بن‌فرنی استفاده شد (جدول ۱).

مطابق با جدول (۱)، بروز قلدری و اشکال سنتی و سایبری آن در ادراک متفاوت فرزندان از شیوه‌های فرزندپروری والدین به صورت معنی‌داری متفاوت است. در ادراک نوجوانان از شیوه‌ی فرزندپروری والدین خود به صورت مستبدانه یا کناره‌گیر، احتمال بروز قلدری به صورت سایبری و سنتی بیشتر از زمانی است که آنان شیوه‌ی فرزندپروری والدین خود را مقتدرانه ادراک می‌کنند. برای دستیابی به هدف فرعی تحقیق و بررسی فرضیه‌ی «میزان قلدری نوجوان با شیوه‌های فرزندپروری والدین رابطه دارد»، داده‌های گردآوری شده از طریق پرسش‌نامه‌ی شیوه‌های فرزندپروری بامریند و پرسش‌نامه‌ی قلدری دانش‌آموزانی که در یک ماهه‌ی اخیر حداقل یک مورد از رفتار قلدری را نشان داده بودند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با توجه به ارجحیت

شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه از دیدگاه والدین (مادر)، از روش ضریب همبستگی پیرسون برای تحلیل داده‌ها استفاده شد که نتایج آن در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی و آزمون تفاوت میانگین‌های قلدری (ستتی و سایبری) بر اساس ادراک از شیوه‌های فرزندپروری

نتایج آزمون تعقیبی				S	M	N	شیوه فرزندپروری	P	F	متغیرها
۴	۳	۲	۱							
			-	۴/۲۶	۱۷/۸۶	۱۰۹	۱- مقتدرانه			
			-	۶/۴۰	۲۱/۱۳	۸۳	۲- مستبدانه			
		۱/۹۲	۱/۳۵	۴/۹۲	۱۹/۲۱	۱۱۳	۳- سهل‌گیرانه	۰/۰۰۱	۸/۳۴	قلدری
	۱/۹۵	۰/۳۰	۳/۳۰*	۶/۳۶	۲۱/۱۶	۸۲	۴- کناره‌گیری			
				۵/۵۹	۱۹/۶۶	۳۸۷	کل			
			-	۲/۵۴	۱۱/۷۰	۱۰۹	۱- مقتدرانه			
			-	۱/۷۶*	۴/۰۹	۱۳/۴۶	۲- مستبدانه			
		۱/۲۵*	۰/۵۲	۲/۶۸	۱۲/۲۱	۱۱۳	۳- سهل‌گیرانه	۰/۰۰۱	۶/۱۰	قلدری ستتی
	۰/۹۵	۰/۰۳	۱/۴۶*	۳/۷۲	۱۳/۱۶	۸۲	۴- کناره‌گیری			
				۳/۲۹	۱۲/۵۳	۳۸۷	کل			
			-	۲/۱۷	۶/۱۶	۱۰۹	۱- مقتدرانه			
			-	۱/۵۱*	۳/۰۴	۷/۶۷	۲- مستبدانه			
		۰/۶۷	۰/۸۳	۲/۸۴	۷/۰۰	۱۱۳	۳- سهل‌گیرانه	۰/۰۰۱	۷/۸۲	قلدری سایبری
	۱/۰۰	۰/۳۲	۱/۸۳*	۳/۳۸	۸/۰۰	۸۲	۴- کناره‌گیری			
				۲/۹۲	۷/۱۲	۳۸۷	کل			

\* معناداری در سطح  $P < ۰/۰۵$ ، دو دامنه

قلدری در مدارس راهنمایی دخترانه: نقش شیوه‌های فرزندپروری و ادراک از محیط عاطفی خانواده

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی و همبستگی بین قلدری و شیوه‌های فرزندپروری از دیدگاه والدین

متغیرها	N	M	S	r
شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه	۱۴۷	۲۸/۱۰	۶/۱۷	-۰/۰۵
شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه	۱۴۷	۲۶/۱۲	۷/۱۱	۰/۱۸*
شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه	۱۴۷	۴۲/۵۹	۴/۷۱	۰/۱۲
قلدری	۱۴۷	۲۱/۶۳	۶/۱۶	۱

\* معناداری در سطح  $P < ۰/۰۵$ ، دو دامنه

مطابق با نتایج جدول ۲، شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه‌ی مادران با قلدری دختران آن‌ها رابطه‌ی مثبت دارد.

برای پاسخ تعیین سهم نقش محیط عاطفی خانواده در بروز قلدری نوجوانان دختر دوره‌ی راهنمایی و پاسخ به سؤال تحقیقی، از روش آماری رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی گام به گام استفاده شد (جدول ۴). ابتدا میزان همبستگی این متغیرها با قلدری و اشکال سنتی و سایبری محاسبه شد (جدول ۳).

جدول ۳. همبستگی متغیرهای تحقیق

محیط عاطفی خانواده		ابعاد فرزندپروری		متغیرها
سردی	گرمی	محبت	کنترل	
۰/۲۹**	-۰/۲۱**	-۰/۲۷**	-۰/۱۳**	قلدری
۰/۲۵**	-۰/۲۰**	-۰/۲۴**	-۰/۰۹	قلدری سنتی
۰/۲۶**	-۰/۱۹**	-۰/۲۵**	-۰/۱۵**	قلدری سایبری

\*\* معناداری در سطح  $P < ۰/۰۱$ ، دو دامنه

همانطور که جدول ۳ نشان می‌دهد ابعاد محبت و کنترل و نیز گرمی محیط خانوادگی با قلدری و اشکال سنتی و سایبری نوجوان همبستگی مثبت دارد، ولی این همبستگی در خصوص سردی محیط عاطفی خانواده منفی است. به استثنای رابطه‌ی بین قلدری سنتی و بعد کنترل، تمامی ضرایب به‌دست آمده به لحاظ آماری معنادار است.

## جدول ۴. شاخص‌های توصیفی و تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام برای پیش‌بینی قلدری

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	M	S	R	R <sup>2</sup>	B	β	t	P
قلدری	محبت	۱۳۴/۱۲	۲۵/۱۰	۰/۳۰۵	۰/۰۹۳	-۰/۰۶	-۰/۲۸	-۵/۵۷	۰/۰۰۱
	کنترل	۱۳۶/۷۶	۱۸/۹۵			-۰/۰۴	-۰/۱۵	-۰/۹۹	۰/۰۱
قلدری	گرمی	۷۰/۱۵	۱۲/۷۵	۰/۲۸۶	۰/۰۸۲	-	-	-	-
	سردی	۳۶/۹۷	۱۵/۰۴			۰/۱۰۶	۰/۲۹	۵/۸۶	۰/۰۰۱

همانگونه که از مندرجات جدول ۴ استنباط می‌شود حدود ۱۰ درصد تغییرات قلدری از طریق محبت و کنترل والدین قابل پیش‌بینی است و با توجه به ضرایب بتای استاندارد ( $\beta$ ) نقش محبت والدین نسبت به میزان کنترل آنان برجسته‌تر است. بر حسب مقدار این ضریب، به ازای هر واحد تغییر مثبت در انحراف استاندارد متغیرهای پیش‌بین (بعد محبت و کنترل) به ترتیب به اندازه‌ی ۰/۲۸ و ۰/۱۵ واحد در انحراف استاندارد متغیر ملاک (قلدری) تغییر منفی ایجاد می‌شود. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از بین گرمی و سردی محیط خانوادگی، فقط سردی روابط در محیط عاطفی خانواده، توان پیش‌بینی مثبت و معنادار قلدری نوجوانان دختر را دارد و مبتنی بر مقدار ضریب به‌دست آمده، هر واحد تغییر در انحراف استاندارد سردی محیط خانوادگی به اندازه‌ی ۰/۲۹ واحد در انحراف استاندارد متغیر ملاک (قلدری) تغییر ایجاد می‌کند.

## بحث و نتیجه‌گیری

قلدری در مدرسه یکی از مشکلات سازگاری در دوره‌ی نوجوانی است (پاتچین و هیندوجا، ۲۰۱۱) و اکثر محققان و روان‌شناسان رشدی توافق دارند که شکلی از آزار و اذیت‌های جسمی، جنسی و روان‌شناختی یک یا چند دانش‌آموز علیه دانش‌آموز دیگر به صورت مکرر در یک دوره‌ی زمانی است (فارینگتون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳ و اسمیت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰ به نقل از وانگ و همکاران، ۲۰۰۸) که

1. Farrington
2. Smith

به عنوان یک نوع خشونت سطح پایین (چن و آستر، ۲۰۱۰) مورد توجه روان‌شناسان مدرسه قرار گرفته است (پاتچین و هیندوجا، ۲۰۱۱). از طرفی، محیط خانواده نقش بسزایی در شکل‌گیری شخصیت کودک و الگوهای رفتاری او دارد. خانواده اولین نهاد اجتماعی است که کودک به آن وارد می‌شود و این نهاد پر قدرت وی را برای ایفای نقش‌های مختلف دوره‌های متفاوت زندگی آماده می‌سازد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۲). در این راستا، پژوهش حاضر به منظور تعیین رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری، ادراک فرزندان از محیط عاطفی خانوادگی و شیوه‌های فرزندپروری والدین با قلدری نوجوانان دختر مدارس راهنمایی شهر تبریز انجام گرفت. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که ادراک نوجوان از شیوه‌های فرزندپروری والدین به صورت مقتدرانه از احتمال انجام رفتارهای قلدری می‌کاهد و در مقابل، چنانچه این ادراک به صورت مستبدانه و کناره‌گیری باشد، احتمال بروز رفتار قلدری را در هر دو صورت سایبری و سنتی آن افزایش می‌دهد. همچنین، نتایج نشان داد که میانگین قلدری و انواع آن در شیوه‌ی فرزندپروری ادراک‌شده به صورت سهل‌گیرانه بیشتر از مقتدرانه و کمتر از شیوه‌های مستبدانه و کناره‌گیر بود، اما تفاوت معنادار فقط در قلدری سنتی و با گروهی بود که الگوی تربیتی والدین خود را مستبدانه ادراک نموده بودند. توجه به ساختار سازنده‌ی شیوه‌های مستبدانه و کناره‌گیر نشان می‌دهد که ادراک کم محبت از سوی والدین، وجه مشترک این دو نوع شیوه‌ی فرزندپروری محسوب می‌شود. بخش دیگر یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بین ادراک از محیط عاطفی خانواده و قلدری رابطه وجود دارد. در حالی که ادراک محبت والدین احتمال قلدری نوجوان را در هر دو شکل سنتی و سایبری آن کاهش می‌دهد، کنترل والدینی با وجود رابطه‌ی منفی و معنادار با قلدری و نوع سایبری آن، با نوع سنتی قلدری رابطه‌ی معنی‌دار ندارد که در تبیین آن می‌توان به تفاوت عمده‌ی قلدری سنتی و سایبری اشاره نمود. نوع سنتی قلدری نیازمند تعامل چهره به چهره فرد قلدر و قربانی است و معمولاً در محیط مدرسه یا در مسیر رفت و آمد به آن اتفاق می‌افتد که در آن نقش معلم و سایر اولیای مدرسه نسبت به والدین می‌تواند برجسته‌تر باشد، در صورتی که

قلدری سایبری از طریق تجهیزات الکترونیکی چون تلفن همراه یا شبکه اینترنت صورت می‌گیرد و بدیهی است که والدین در محیط خانواده تسلط بیشتری بر فرزندان خود دارند و می‌توانند استفاده از این نوع تجهیزات را محدود نمایند که به تبع آن میزان قلدری از نوع سایبری کاهش می‌یابد. اما آنچه که قابل توجه است، نقش برجسته‌تر بعد محبت نسبت به بعد کنترل در پیش‌بینی میزان قلدری نوجوان است. مطابق با نظریه‌های رفتارگرایی و برنامه‌های اصلاح و تغییر رفتار، استفاده از روش‌های تقویتی ارححیت و اولویت داشته و محبت به عنوان یک تقویت‌کننده‌ی اجتماعی از مهم‌ترین تقویت‌کننده‌های ثانویه به شمار می‌آید (سیف، ۱۳۸۷).

از دیگر نتایج تحقیق آن است که گرمی و سردی ادراک‌شده از تعاملات خانواده در رفتارهای قلدری نوجوان مؤثر است. گرمی در تعاملات والد - فرزندی از احتمال بروز قلدری می‌کاهد و در مقابل، سردی روابط بر احتمال بروز چنین رفتارهایی می‌افزاید و نسبت به گرمی در روابط، متغیر پیش‌بین بهتری است و به تنهایی ۹ درصد تغییرات مربوط به قلدری را تبیین می‌کند. خودپنداره و عزت‌نفس از مسایل پراهمیت دوره‌ی نوجوانی هستند که تأیید و حمایت والدینی از منابع مهم شکل‌گیری و انسجام آن محسوب می‌شود، طبیعتاً احساس سردی و طردشدگی از سوی آنان حتی اگر خطای ادراکی باشد، خودپنداره‌ی آن‌ها را منفی می‌کند (آقامحمدیان و حسینی، ۱۳۸۶). تحقیقات قبلی نیز، حاکی از آن است که سبک فرزندپروری مستبدانه، استفاده از تنبیه و تادیب جسمی، خصومت و طرد والدینی از طریق تضعیف خودپنداره‌ی<sup>۱</sup> کودک و عدم تنظیم هیجانی بر رفتار قلدری مؤثر است (بالدری، ۲۰۰۳ به نقل از لی، ۲۰۱۰). با توجه به این که خودپنداره اساس عزت‌نفس به شمار می‌آید، تضعیف آن موجب می‌شود که عزت‌نفس شکننده‌ی نوجوان تضعیف‌تر شده و به شدت پایین آید (آقامحمدیان و حسینی، ۱۳۸۶) و عزت‌نفس پایین با قلدری نوجوان رابطه دارد (احمد و بریس‌ویت، ۲۰۰۴). شواهد تحقیقی دلالت بر آن دارد که

---

## 1. self- image

تعارضات بین فردی اعضای خانواده، خشونت‌های خانگی و استفاده از تنبیه برای رفتارهای منفی، سطح نظارت والدین، شیوه‌های ارتباطی اعضای خانواده، شیوه‌های منفی، ناکارآمد و ضعیف فرزندپروری و ادراک منفی فرزندان از محیط خانواده مستقیماً بر قلدری و سازگاری نوجوان تأثیر می‌گذارد (رجوع شود به لیو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱؛ بنت، سولیوان و لویس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵؛ احمد و بریس‌ویت، ۲۰۰۴). در مقابل، پاره‌ای دیگر از تحقیقات نشان داده است که حمایت، توجه و مراقبت خانوادگی، ارتباطات خانوادگی، الگوی رفتاری بزرگسالان خانواده، درگیری و علاقمندی خانواده به مسایل مدرسه‌ی کودکان و انتظارات بالا از جمله‌ی عوامل بیرونی مربوط به خانواده هستند که در برابر رفتارهای پرخاشگرانه‌ی نوجوانان عامل حمایتی و بازدارنده دارند (دونون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰).

سایر یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد زمانی که شیوه‌های فرزندپروری از دیدگاه والدین نیز سنجیده می‌شود، نتیجه‌ی مشابهی به دست می‌آید؛ نگرش مستبدانه‌ی مادر احتمال بروز رفتار قلدری را در میان دختران افزایش می‌دهد. همچنین، بین قلدری و نگرش سهل‌گیرانه‌ی مادر رابطه‌ای مشاهده نشد؛ در حالی که شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه جزو شیوه‌های ناکارآمد فرزندپروری محسوب می‌شوند. نکته قابل توجه در یافته‌ی اخیر آن است که برای سنجش شیوه‌های فرزندپروری از دیدگاه والدین، فقط از داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده‌ی مادران حاضر در جلسه و در حضور پژوهشگر استفاده شده است و نیز، گزاره‌های پرسش‌نامه‌ی بامریند بر حسب سوم شخص تنظیم شده و بیشتر گرایش‌های پاسخگو در خصوص شیوه‌های فرزندپروری را می‌سنجد. بنابراین، احتمالاً جنسیت والد پاسخگو، ویژگی‌های پرسش‌نامه، عامل اجتماع‌پسندی و مهم‌تر، پاسخ به دعوت برای حضور در جلسه، تبیین‌کننده‌ی خوبی برای نتیجه‌ی اخیر است. از نظر مولفین، نتایج حاصل از سنجش شیوه‌های فرزندپروری بر اساس ادراک نوجوان به سبب آن که وی رفتار هر دو والد را در هنگام پاسخگویی در نظر

- 
1. Liu
  2. Bennett, Sullivan & Lewis
  3. Donnon

می‌گیرد، از قابلیت اعتماد بیشتری برخوردار است؛ به‌ویژه آن که گزاره‌های پرسش‌نامه‌ی شیفر با ضمیر اول شخص مفرد قید شده است و مبتنی بر دیدگاه پدیدارشناختی، نوجوان رفتار خود را بر حسب ادراکات خود از تعاملات والد - فرزندی تنظیم می‌کند. شواهد تحقیقی نیز، بر نقش تأثیرگذار ادراکات و باورهای افراد در وضعیت سلامت روانی و رفتارهای آنان صحنه گذاشته است (بالدری، ۲۰۰۳؛ به نقل از لی، ۲۰۱۰). مطابق با نظریه‌های یادگیری اجتماعی و کنترل اجتماعی، والدین به دو صورت مستقیم (از طریق الگوبرداری و تقویت اجتماعی) و غیرمستقیم (از طریق شکل‌دهی ادراکات و نگرش‌ها) بر رفتارهای اجتماعی و هیجانات فرزندان‌شان تأثیر می‌گذارند. دوسوگرایی و از هم گسستگی روابط اعضای خانواده، نظم و انضباط سخت‌گیرانه، شیوه‌ی فرزندپروری متناقض و مستبدانه به احتمال بیشتری با قلدری مرتبط است. ادراک ضعیف پسران از خودارزشمندی، گرمی و حمایت در محیط خانواده، احتمالاً به قلدری آنان منجر می‌شود، در حالی که این نوع ادراک در میان دختران احتمال قلدری و قربانی شدن آنان را بالا می‌برد (به نقل از وینکه‌توتورا و همکاران، ۲۰۰۹).

در پایان، قابل ذکر است که یافته‌های این پژوهش حاصل اطلاعات گردآوری شده از طریق پرسش‌نامه‌های خودگزارش‌دهی دانش‌آموز در جامعه‌ی محدود به دختران دوره‌ی راهنمایی مدارس دولتی شهر تبریز و مادران آنان است که با دعوت پژوهشگر در مدرسه حاضر شده بودند، لذا توجه به این نکته در تعمیم‌دهی نتایج به گروه‌های دیگر حایز اهمیت است. از این رو، انجام دادن پژوهش‌های مشابه در میان جامعه‌ی پسران، مقاطع مختلف تحصیلی و مدارس غیردولتی ضرورت می‌یابد. همچنین، استفاده از ابزارهای مختلفی مثل مصاحبه، مشاهده و درجه‌بندی رفتار دانش‌آموزان و نیز، حضور و همکاری پدران در پژوهش‌های مشابه بر قابلیت اعتماد نتایج پژوهشی خواهد افزود. درنهایت، برگرفته از یافته‌های پژوهشی توجه بیش از پیش بر نقش خانواده و تعاملات والدی - فرزندی و شیوه‌های فرزندپروری والدین در سازگاری رفتاری و هیجانی نوجوانان دختر پیشنهاد می‌گردد که این مهم از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزش خانواده و



شیوه‌های فرزندپروری مثبت امکان‌پذیر است.

## منابع

- آقامحمدیان، حمیدرضا و حسینی، سیدمهران (۱۳۸۶). روان‌شناسی بلوغ و نوجوانی (روان‌شناسی رشد ۲) (چاپ دوم). مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- الویس، دان. (۱۹۹۳). شناخت دنیای کودکان. قلدری در مدرسه. ترجمه‌ی نادر باقری (۱۳۸۹). مشهد: شرکت به‌نشر (آستان قدس رضوی).
- حسین چاری، مسعود؛ دلاورپور، محمدآقا و دهقانی، یوسف (۱۳۸۶). نقش شیوه‌های فرزندپروری والدین در کمرویی دانش‌آموزان دبیرستانی. *مجله روان‌شناسی معاصر*، ۲(۲)، ۲۱-۳۰.
- زاده‌محمدی، علی و احمدآبادی، زهره (۱۳۸۸). بررسی رفتارهای پرخطر در میان نوجوانان، راهکارهایی برای پیشگیری از جرم در محیط خانواده. *مجله خانواده پژوهی*، ۵(۲۰)، ۴۸۵-۴۶۷.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۷). تغییر رفتار و رفتاردرمانی، نظریه‌ها و روش‌ها (چاپ یازدهم). تهران: نشر دوران.
- گلدنبرگ، ایرنه؛ گلدنبرگ، هربرت (۱۹۹۰). خانواده درمانی پایه. ترجمه‌ی حمیدرضا حسین‌شاهی و سیامک نقشبندی (۱۳۸۲). تهران: روان.
- گنتری، دوبل (۲۰۰۷). مدیریت خشم، راهنمای کاربردی برای همگان. ترجمه‌ی منصور بیرامی و پروانه علائی (۱۳۹۰). تهران: نیک‌ملکی.
- Ahmed, E., & Braithwaite, V. (2004). "What, Me Ashamed?" shame management and school bullying. *Research in Crime and Delinquency*, 41, 269-294.
- Bennett, D. S., Sullivan, M. W. & Lewis, M. (2005). Young children's adjustment as a function of maltreatment, shame, and anger. *Child Maltreatment*, 10(4), 311-323.
- Black, S., Weinles, D., & Washington, E. (2010). Victim Strategies to Stop Bullying. *Youth Violence and Juvenile Justice*, 8(2), 138-147.
- Bowen, N., & Bowen, G. (1999). Effects of crime and violence in neighborhoods and schools on the school behavior and performance of adolescents. *Adolescent Research*, 14, 319-342.
- Chen, J. K. & Astor, R. A. (2010). School Violence in Taiwan: Examining how western risk factors predict school violence in an Asian culture. *Interpersonal Violence*, 25(8), 1388-1410.
- Donnon, T. (2010). Understanding how resiliency development influences adolescent bullying and victimization. *Canadian Journal of School Psychology*, 25(1), 101-113.

- Dussich, J. P. J., & Maekoya, Ch. (2007). Physical Child Harm and Bullying-Related Behaviors: A comparative study in Japan, South Africa, and the United States. *Offender Therapy and Comparative Criminology*, 51 (5), 495-509.
- Easterlin, R. A. (2001). Life cycle welfare: Trends and differences. *Happiness Studies*, 2, 1-12.
- Eliot, M. & Cornell, D. G. (2009). Bullying in Middle School as a Function of Insecure Attachment and Aggressive Attitudes. *School Psychology International*, 30(2), 201-214.
- Gofin, R. & Avitzour, M. (2012). Traditional Versus Internet Bullying in Junior High School Students. *Matern Child Health Journal*, published online, 24 March 2012.
- Henningham, H. B., Gardner, J. M. & SusanWalker, S. Ch. (2009). Experiences of violence and deficits in academic achievement among urban primary school children in Jamaica. *Child Abuse & Neglect*, 33 (2009), 296-306.
- Hinduja, S., & Patchin, J. W. (2008). Cyberbullying: An exploratory analysis of factors related to offending and victimization. *Deviant Behavior*, 29(2), 1-29.
- Hurt, H., Malmud, E., Brodsky, N. & Giannetta, J. (2001). Exposure to violence. Psychological and academic correlates in child witnesses. *Archives of Pediatric and Adolescent Medicine*, 155, 1351-1356.
- Kowalski, R. M. & Limber, S. P. (2007). Electronic bullying among middle school students. *Journal of Adolescent Health*, 41, S22-S30.
- Lee, Ch. H. (2010). Personal and interpersonal correlates of bullying behaviors among Korean middle school students. *Interpersonal Violence*, 25 (1), 152-176.
- Liu, J. (2011). Early health risk factors for violence: Conceptualization, evidence, and implications. *Aggression and Violent Behavior*, 16, 63-73.
- Murrell, S. A., Salsman, N. L. & Meeks, S. (2003). Educational attainment, positive psychological mediators, and resources for health and vitality in older adults. *Aging and Health*, 15, 591-615.
- Nansel, T. R., Overpeck, M., Pilla, R. S., Ruan, W. J., Simons-Morton, B. & Scheidt, P. (2001). Bullying behaviors among U.S. youth: Prevalence and association with psychosocial adjustment. *Journal of the American Medical Association*, 285, 2094-2100.
- Newgent, R. A., Behrend, B. A., Lounsbery, K. L., Higgins, K. K. & Lo, W. (2010). Psychosocial educational groups for Students (PEGS): An evaluation of the treatment effectiveness of a School-Based Behavioral Intervention Program. *Counseling Outcome Research and Evaluation*, 1 (2), 80-94.
- Nordahl, J. K., Poole, A., Stanton, L., Walden, L. M. & Beran, T. N. (2008). A review of school-based bullying interventions. *Democracy & Education*, 18(1), 16-20.
- Patchin, J.W., & Hinduja, S. (2011). Traditional and nontraditional bullying among youth: A Test of General Strain Theory. *Youth & Society*, 43(2), 727- 751.
- Rudasill, K. M., Gallagher, K. C. & White, J. M. (2010). Temperamental attention and activity, classroom emotional support, and academic achievement in third grade. *School Psychology*, 48, 113-134.

- Subasi, F. & Hayran, O. (2005). Evaluation of life satisfaction index of the elderly people living in nursing homes. *Archives of Gerontology and Geriatrics*, 41, 23–29.
- Walden, L. M. & Beran, T. N. (2010). Attachment quality and bullying behavior in school-aged youth. *Canadian Journal of School Psychology*, 25(1), 5–18.
- Vaillancourt, T., McDougall, P., Hymel, S., Krygsman, A., Miller, J., Stiver, K. & Davis, C. (2008). Bullying: Are researchers and children/youth talking about the same thing? *Behavioral Development*, 32 (6), 486–495.
- Wienke Totura, Ch. M., MacKinnon-Lewis, C., Gesten, E. L., Gadd, R., Divine, K. P., Dunham, Sh. & Kamboukos, D. (2009). Bullying and victimization among boys and girls in middle school: The influence of perceived family and school contexts. *Early Adolescence*, 29(4), 571-609.
- Wong, D. S. W., Lok, D. P. P., Lo, T. W. & Ma, S. K. (2008). School bullying among Hong Kong Chinese primary schoolchildren. *Youth and Society*, 40 (1), 35-54.
- Yurtal, F., & Artut, K. (2010). An investigation of school violence through Turkish children's. *Interpersonal Violence*, 25(1), 50-62.

## **Bullying in female middle schools: the role of parenting styles and perception of family's emotional environment**

**M. Bayrami<sup>1</sup> & P. Alaie<sup>2</sup>**

### **Abstract**

Bullying is a kind of low violence in school that has been lately considered by school psychologists. The aim of this descriptive research was to investigate the relations between bullying and its forms in female adolescents' perception of family climate and parenting styles, and their parents' parenting styles in public middle schools Tabriz city. 387 students and 147 ones of their mothers were chosen by the multistage-cluster and simple random sampling methods, and accomplished Sheifer, Baumrind Parenting inventories and Bullying Scale. According to results, there were positive relations between bullying and its traditional and cyber forms with mothers' authoritarian parenting, and perception of parenting styles as authoritarian and neglectful; these relations with perception of parenting as authoritative were negative. Also, there were relations between family climate and bullying and its forms. Love dimension was a better predicting variable than the control one; and just family's cold climate predicted 9% variance of bullying.

**Key words:** bullying in school, parenting styles, family climate, perception of parenting styles, students

---

1 . Associate Professor of psychology, Tabriz University

2 . Corresponding Author: Ph.D. student of educational psychology, Tabriz University (P.Alaie@Yahoo.Com)